

آقا مهدی - صفحه ۶۴

#تاریخ ادبیات:

شهید مهدی باکری: صفحه ۱۳۸ / سرگذشت شهید باکری: صفحه ۱۴۶ کتاب درسی

#معنای لغات:

خمپاره انداز: نوعی سلاح جنگی شبیه توپ / خاکریز: تپه‌ای مصنوعی برای پناه گرفتن رزمندگان / مهمات: مجموعه وسایل جنگی از انواع اسلحه و ابزار جنگ / پوکه: غلاف فشنگ بی‌سرب و باروت، باقی مانده‌های گلوله / برآق: درخشان / شلپ شلپ: نام آوا، صدای آب / آمیخته بود: قاطی شده بود / بغل دستی: کناری / انگار نه انگار: هنگامی گفته می‌شود که کسی نسبت به امری بی‌اعتنا و بی‌توجه باشد / غلاف: پوشش یا جلد شمشیر و سرنیزه / گروهان: واحد نظامی که معمولاً متشکل از سه دسته و کوچکتر از گردان است / گردان: واحد نظامی که معمولاً شامل سه گروهان است / لشکر: قسمتی از ارتش که عده افراد آن در حدود دوازده‌هزار نفر است / پوتین: کفش نظامی / لهجه: تلفظ متفاوت یک زبان / حسابی خونشان را ریخته بود ← حسابی: خیلی زیاد / آثار: جمع اثر / آویخته: آویزان

#آرایه‌ها:

آینه‌ی شکسته: استعاره از باران جمع شده بر روی زمین / ابرها خودشان را برای سال نو آماده می‌کردند: تشخیص / خورشید از پشت کوه‌ها سرک می‌کشید: تشخیص / سرک می‌کشید: کنایه از فضولی می‌کرد، کنجکاوی / سلاح، کلاه‌های آهنی، توپ، خمپاره‌انداز، خاکریز، مهمات، پوکه، سنگر: تناسب / خنده‌ها از ته دل بود: کنایه از شادی حقیقی / هفت سین، سمنو، سماق: تناسب / گردباد کوچکی لنگان لنگان از راه می‌رسید و...: تشخیص / سین‌های هفت سین یکی یکی غیبتان زد: تشخیص / سرنیزه‌ها به غلاف خود برگشتند: تشخیص / سیمینوف به سنگر تیربار رفت: تشخیص / عید شروع نشده تمام شد ← شروع و تمام: تضاد / قد کوتاه و ریش بلند ← کوتاه و بلند: تضاد / یک صدا: کنایه از متحد و همه با هم / همه جای ایران سرای من است: تضمین / هواپیمایی شبیه یک هندوانه‌ی بزرگ: تشبیه / تعدادی بمب را مثل یک شانه تخم مرغ: تشبیه / سربازهای دشمن مثل مهره‌های شطرنج: تشبیه / مداد رنگی سرخ حسابی خونشان را ریخته بود ← مداد رنگی سرخ: مجاز از کسی که با مداد رنگی سرخ این نقاشی را کشیده است / به آنها خیره می‌شد: کنایه از نگاه عمیق

#نکات دستوری:

سرها را خم (کردند) و بند پوتین‌ها را شُل کردند: حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / پسرکی بسیجی ← ک: تصغیر / جنگ یعنی این: شبه جمله

#فرصتی برای اندیشیدن:

۱- با نامه‌هایشان به رزمندگان روحیه میدادند و برایشان دعا می‌کردند. بعضی هم در جبهه‌ها حضور داشتند و به شهادت رسیدند.

#نوع نثر: ساده و روان